

سکه های امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در دوره پیشاصفوی و شکل گیری اندیشه «حاکم شیعی»*

[حمیدرضا آذری نیا^۱ / محمدحسین افراخته^۲]

چکیده

شیعیان امامی از نظر حقوقی، حاکمیت سیاسی جامعه را مخصوص پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می دانند. به اعتقاد آنان، امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ که در اوایل قرن چهارم متولد شده و تا کنون نیز زنده است، روزی ظهور خواهد کرد و جهانی الهی خواهد ساخت. شیعیان امامی - که به سبب پیروی شان از دوازده امام از نسل پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آنها اثناعشریان نیز گفته می شود - حق مشروع و الهی حکومت را مخصوص امام دوازدهم می دانند. جمعیت شیعیان قبل از تبدیل شدن به یک جامعه، به صورت یک اقلیت در میان جامعه اهل سنت زندگی می کردند. پس از حمله مغولان و فروپاشی خلافت عباسی، فرصتی برای شیعیان به وجود آمد که بتوانند حکومت هایی با گرایش شیعی ایجاد کنند. نوشتار حاضر می کوشد تا نشان دهد که در این دوران، حاکمانی با عنوان وکیلان امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ روی کار آمدند. شواهد مورد استفاده این مقاله، بر تحلیل سکه های ضرب شده توسط حاکمان شیعی در اوایل دوره پس از مغول - که دوره شکل گیری مفهوم «حاکم شیعی» در جامعه شیعه می باشد - مبتنی است. سلاطین و امیران شیعه در این دوران، جایگاه الهی مستقلی برای خود قائل نبودند؛ بلکه خود را حاکمانی می دانستند که در اثر اضطرار، به ناچار قدرت را در دست گرفته اند و پس از ظهور امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ جایگاه حکومتی خود را به ایشان تحویل خواهند داد.

کلیدواژه ها: امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، حاکم شیعی، سکه شناسی، دوره پیشاصفوی.

* تاریخ دریافت مقاله (۹۶/۱۲/۷) تاریخ پذیرش (۹۷/۳/۲۰)

۱. دانشجوی دکتری مردم شناسی دانشگاه تهران، azarinia@yahoo.com

۲. فوق لیسانس تاریخ اسلام از دانشگاه تهران، پژوهشگر موسسه مطالعات mhafraakhteh84@yahoo.com

مقدمه

«سکه» شیئی مادی است که ارزش اقتصادی آن براساس وزن فلز به کاررفته در آن مشخص می شود. سکه های رایج بلاد اسلامی در گذشته «درهم» یا «دینار» نامیده می شدند. درهم از جنس نقره بود و دینار از طلا ساخته می شد. صرف نظر از ارزش اقتصادی سکه، ارزش فرهنگی آن نیز قابل توجه است. سکه توسط نهاد قدرت در جامعه تولید می شود. روی سکه ها نام فرمانروا و ضراب خانه، تاریخ ضرب و کلماتی نمادین، که برخاسته از فرهنگ و هویت جامعه است، دیده می شود. سکه ابراز نمادین نهاد قدرت و یا ارزش های اجتماعی حاکم بر جامعه است. سکه توسط حاکمیت تولید می شود و سپس در سطح جامعه به گردش درمی آید. تولید سکه توسط قدرت غالب و ارزش های مورد قبول جامعه صورت می گیرد و بعد از تولید، به عنوان یک رسانه، قدرت و ارزش های جامعه را بازتولید می کند. این یک شبکه به هم پیوسته از قدرت و بازتولید قدرت توسط سکه است. استفاده از سکه رایج نشان دهنده عضویت در جامعه و پذیرش حاکمیت است. در گذشته رسم بر این بوده که حاکمان به دو شیوه حکومت خود را اعلام رسمی می کردند: نخست با خطبه خواندن به نام حاکم در منابر رسمی و دوم با ضرب سکه. نظامی گنجوی شاعر پارسی گوی قرن ششم، در مخزن الاسرار با بیانی زیبا نشان صاحب ملک شدن را سکه و خطبه خوانی معرفی می کند:

ملک بر آرای و جهان تازه کن هر دو جهان را پراز آوازه کن

سکه تو زن تا امرا کم زنند خطبه تو خوان تا خطبا دم زنند

بدین جهت نمادهای روی سکه، روایتگر رویدادهای اجتماعی طول تاریخ هستند و سکه را می توان بیانیه رسمی حکومت ها معرفی کرد. سکه محصول یک رابطه دوسویه میان فرهنگ و اشیاء مادی آن است. سکه بازتولیدکننده اقتدار نهاد قدرت و ارزش های فرهنگی غالب است. سکه تسلط قدرت غالب و ارزش های غالب را برای اعضای جامعه تثبیت می کند و رواج سکه، موجب فرمانبرداری اعضای جامعه از حاکم و ارزش ها می شود. سکه هم معنای نمادین برای افراد دارد و هم

رواجش در جامعه، در شکل دهی ساختار اجتماع و برقراری رویه اجتماعی مهم است. قدرت سکه به عنوان شیء مادی فرهنگ، به خاطر برقرار کردن ارتباط میان مفاهیم ادراکی و عضویت در جامعه است. در حقیقت سند رسمی تغییر حاکم یا تغییر قلمرو حکومت‌ها را در ضراب‌خانه‌ها بر روی سکه ثبت می‌کردند. ثبت تغییرات سیاسی گاه با ضرب سکه جدید صورت می‌گرفت و گاه روی سکه‌های حاکم قبلی علامت حاکم جدید ضرب مجدد می‌شد (سورژارژ). سکه وضعیت اقتصادی زمان و مکان خود را نیز روایت می‌کند. عیار و وزن سکه‌ها و تغییراتشان در طول زمان، حکایت از وضع اقتصادی، تورم، رونق و رکود بازار دارد. ارزش مادی سکه همیشه توسط جریان واقعی اقتصاد تعیین می‌شد. سکه‌های با جنس گران‌تر ارزش دقیق‌تری داشتند، ولی ارزش سکه‌های مسی چندان واقعی نبود. سکه‌های با ارزش بالا، مثل طلا یا نقره، برای دادوستدهای عمده و یا نقل و انتقال بین شهرهای دور توسط تجاری‌ها یا عمال دولتی و نظامی و لشکری استفاده می‌شده و به نوعی ویژه طبقه بالادست و خواص جامعه بوده است. این سکه‌ها برای نقل و انتقال بین شهرها و در پرداخت‌های مقادیر زیاد استفاده می‌شده است. بدین جهت محدود به جغرافیای خاصی نیز نبود. سکه‌های کم‌ارزش در دادوستدهای روزانه مردم به کار می‌رفته و مورد استفاده توده مردم بودند. سکه‌های فرودست متعلق به حوزه جغرافیایی محدودی بودند و به طور محلی جابه‌جا می‌شدند. تحول نقش، وزن و عیار سکه‌ها، محصول تغییرات فرهنگی است که ابعاد مختلفی از جامعه را حکایت می‌کند. نام حاکم، محل ضرب و سال ضرب سکه، از جهتی، اطلاعات سکه‌های حاکمان، قلمرو و تاریخ حکومت آنها را بیان می‌کند و از جهتی دیگر، اطلاعات فرهنگی و مذهبی مانند نوع خط، زبان، نمادها و شعائر به کاررفته را ارائه می‌کند.

نمادهای به کاررفته بر روی سکه از زمینه فرهنگی جامعه برخاسته است. درک نمادهای روی سکه و دریافت مفهوم آنها مبتنی بر درک جمعی و تفسیر مشترک جامعه است. نمادهای روی سکه به دلیل سرعت انتقال اطلاعات و گستردگی جغرافیایی، یک رسانه سریع و فراگیر اجتماعی در تاریخ بوده است.

نمادهای مذهبی روی سکه‌های اسلامی

سکه‌های اسلامی ابتدا در ضراب‌خانه‌های ایران ضرب شدند و با عنوان سکه‌های عرب ساسانی شهرت یافتند. این سکه‌ها دارای تصویر پادشاه ساسانی، آتشدان و دو نگهبان بودند. محل و تاریخ ضرب به خط پهلوی و عبارات عربی همچون «بسم الله»، «الله ربی»، «لله الحمد» و «بسم الله الملك» روی سکه نقرمی شد.

امویان که تعصب عربی در حکومتشان به اوج خود رسید، تلاش کردند نوع جدیدی از سکه‌ها را ضرب کنند و خود را از زیر سلطه تمدن ساسانی برهانند؛ روی سکه‌های اموی عبارت «لا اله الا الله وحده لا شریک له» نقر شد و از خط کوفی برای عبارات روی سکه استفاده کردند. عبدالله بن زبیر نیز در این دوره سکه‌ای به نام خود زد و از عبارت «عبدالله امیرای ورویشنیگان»^۱ استفاده کرد؛ قطری بن فجائه که از بزرگان خوارج بود، عبارتی مشابه عبارت ابن زبیر بر سکه خود نقر کرد: «قطری امیرای ورویشنیگان». از دیگر سکه‌های دوره اموی، سکه‌هایی با آیه «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله» است که در پشت سکه «اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» نقر شده است. این سکه‌ها بر غلبه میل کشورگشایی در دوران اموی و پیروزی مسلمانان بر مسیحیان از طریق جنگ و خونریزی دلالت دارند.

پس از افول امویان در دوره انقلاب عباسیان، سکه‌های ابومسلم خراسانی با نقش آیه «قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی» در برخی مناطق ضرب شد. ضرب سکه‌هایی با این نام نیز نوعی تلاش برای ارتباط دادن قیام عباسیان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و در حقیقت نوعی مشروعیت بخشی به حکومت عباسیان است. در زمان قیام ابوالسرایا در سال ۱۹۹ ق که با همراه کردن سادات حسنی صورت گرفت، سکه‌هایی با نقش کلمه «فاطمی»، به معنی انتساب به اولاد حضرت فاطمه علیها السلام، در کوفه ضرب شد. در دوره عباسیان تغییری نمادین در نقر سکه روی داد و عبارت «محمد رسول الله» جایگزین آیات سوره اخلاص که

۱. این واژه، پهلوی است و به معنای «امیرالمؤمنین» می باشد.

در دوره اموی بر سکه ها منقوش بود، شد. در زمان مهدی عباسی، نام خلیفه و عبارت دعایی، بعد از نام حضرت خاتم النبیین ﷺ اضافه شد: «محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم الخلیفة المهدی»^۱.

نام امامان شیعه از زمان ضرب سکه ولایت عهدی امام رضا (ع) ، بر سکه ها منقوش شد. بعد از آن، نام برخی امامان بر سکه های اسماعیلیان نقر شد. وجه مشترک غالب سکه های های شیعی، عبارت «علی ولی الله» است که روی سکه های زیدی و اسماعیلی دیده می شود. شعار «علی خلیفة الله» توسط زیدیان طبرستان نیز به کار رفته است. آیه «عَلِيمٌ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» روی سکه علویان طبرستان در سال ۳۱۱ ق نقر شده است. وهسودان بن محمد که اسماعیلی مذهب بود در سال ۳۴۳ ق، آیه ولایت و عبارت «علی خلیفة الله» و نیز نام شش امام از امامان دوازده گانه را روی سکه خود ضرب کرد.^۲ در سال ۲۹۰ ق دولت حمدانیان سکه هایی منقوش به آیه تطهیر ضرب کردند.^۳ زیدیان آیه تطهیر و آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنِ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» را بر سکه ها ضرب کردند.^۴

فاطمیان مصر و ضرب نخستین سکه به نام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشريف) در سال ۵۲۴ قمری

حضور تشیع در مصر به قرون متقدم بازمی گردد. حکومت یاران بزرگ امیرالمؤمنین (ع) مانند محمد بن ابی بکر و محمد بن ابی حذیفه در مصر، سابقه تشیع در این منطقه را به دهه های اول اسلامی و دوران حکومت عثمان بازمی گرداند. در کتاب رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی، گزارش های فراوانی

۱. علیزاده، مه بانو، «گذری بر سیر تحول سکه در سده نخست دوره اسلامی»، مجله گزارش میراث، شماره ۴۰.

۲. وثیق، منصوره، «تشیع در ایران به روایت سکه های تاریخی»، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۱۴ و ۱۱۵.

۳. ابن العدم، عمر بن احمد، بغية الطلب في تاريخ حلب، ۲/ ۹۴۴.

۴. رضائی باغ بیدی، حسن، سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان.

در مورد محدثان دوازده امامی مصر ثبت شده است. به گزارش ابن زولاق پس از ورود اسحاق، فرزند امام صادق علیه السلام و همسرش سیده نفیسه به مصر، اهالی آن جا همچون کعبه به دور آنها گشتند.^۱

اسماعیل (فرزند امام کاظم علیه السلام) نیز در مصر ساکن شد.^۲ کتب حسین بن سعید، دو طبقه پس از وی در مصر تحدیث شدند.^۳ هارون بن موسی تلعبکری^۴ (متوفای ۳۸۵ ق) و جعفر بن محمد بن قولویه قمی^۵ (متوفای ۳۶۹ ق)، هر دو در مصر استماع حدیث داشته اند. سؤالاتی که مردم مصر از ابن جنید، شیخ صدوق و سید مرتضی^۶ پرسیده اند، نشان دهنده حضور فعال تشیع اثناعشری در مصر است. شیعیان پس از انقراض حکومت فاطمیان در مصر (سال ۵۶۷ ق) و با وجود قتل عام شدید آنها توسط صلاح الدین ایوبی، باز به حیات خود در مصر ادامه دادند. محقق حلی که حدود صد سال پس از انقراض فاطمیان درگذشته است، رساله ای مفصل

۱. ابن زولاق، حسن بن ابراهیم، فضائل مصر و اخبارها و خواصها، ص ۴۸.

۲. مدخل اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام در کتاب رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی: «اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین سکن مصر و ولده بها و له کتب یرویها عن ابيه عن آبائه...»

۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ص ۶۰.

۴. این گزارش ها در کتاب های رجالی و فهرستی آمده است: «عبیدالله بن محمد بن الفضل بن هلال الطائی یکنی أبا عیسی المصری خاصی روی عنه التلعکبری و قال: سمعت منه بمصر سنة إحدى وأربعین وثلاثمائة وله منه إجازة» (طوسی، محمد بن حسن، رجال، ص ۴۳۱)؛ گزارش های دیگری در مورد سماع حدیث توسط هارون بن موسی در مصر وجود دارد. در این زمینه رک: همان، ص ۴۱۰ و ۴۱۹ و ۴۴۲.

۵. نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۱۲۶؛ نجاشی در مدخل «جعفر بن یحیی الرازی»، به گاه ذکر طریق خود به کتاب وی چنین می نویسد: «أخبرنا محمد بن محمد بن النعمان قال: حدثنا جعفر بن محمد بن قولویه قال: حدثنا محمد بن أحمد بن سلیم الصابونی بمصر قال: حدثنا موسی بن الحسین بن موسی قال: حدثنا جعفر بن یحیی بن العلاء.»

۶. همان، ص ۳۹۲ (در ترجمه شیخ صدوق) و ص ۴۰۰ (در ترجمه شیخ مفید که در واقع رساله شیخ مفید، رديه ای بر رساله ای بوده است که ابن جنید در جواب اهالی مصر نوشته بود)؛ هم چنین رک: مفید، محمد بن محمد، المسائل السرویه، ص ۷۵؛ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۸۹، مدخل سید مرتضی.

در پاسخ به پنج سؤال اهالی مصر نوشته است.^۱ هرچند مخاطب محقق حلی در این رساله، یکی از شرفای مصر بوده و این نگاشته در جواب او نوشته شده است، اما حضور یک شریف در منطقه مصر، خود دلیل بر سکونت عده قابل توجهی از شیعیان در این منطقه است.

ورود اسماعیلیان به مصر و تأسیس دولت فاطمی، با چالش های سیاسی در تاریخ این حکومت همراه بود. اگرچه ذات این چالش ها سیاسی بود، ولی پیامدهای مذهبی عمیقی در اسماعیلیان به جای گذاشت. نخستین مورد، جانشینی «المستنصر بالله»، هشتمین خلیفه فاطمی (هجدهمین امام اسماعیلی) در سال ۴۸۷ ق است؛ مالک الافضل (نایب السلطنه) جانب «مستعلی»، فرزند کوچک تر را گرفت و عده ای جانب فرزند بزرگ تراو، «نزار» را داشتند. نزار دستگیر شد و در زندان درگذشت؛^۲ حامیان نزار فرقه اسماعیلیان نزاری را به وجود آوردند که بعدها در «الموت» حکمرانی کردند. در مقابل، خلفای فاطمی به فرقه مستعلی گرویدند. دومین بحران حکومت در سال ۵۲۴ ق با ترور «الأمرباحکام الله»، خلیفه دهم فاطمی به دست نزاریان روی داد. عده ای گفتند پسر «الامر» به زودی از زن آبستن او به دنیا خواهد آمد و خلیفه و امام خواهد شد؛^۳ برخی نیز گفتند که پسر تازه متولد شده به نام «الطیب» داشته و بر امامت او قائل شدند؛^۴ ولی در مقابل، عده ای با پسرعموی «الامر» که «الحافظ» نام داشت، به عنوان امام اسماعیلی و خلیفه بیعت کردند. پیروان طیب را «طیبیه» نامیدند؛ آنان به غیبت طیب قائل شدند و اداره مذهب به دست داعیان او ادامه یافت. ابوعلی احمد بن افضل، که جد

۱. محقق حلی، جعفر بن حسن، المسائل المصریة (چاپ شده در ضمن رسائل محقق حلی)، ص ۱۹۵ - ۲۳۱.

2. Daftary, Farhad (1990). The Ismā'īlīs: Their history and doctrines.

۳. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، العبر: تاریخ ابن خلدون، ۳ / ۱۰۱.

4. S. M. Stern, The Succession to the Fatimid Imam al-Āmir, the Claims of the Later Fatimids to the Imamate, and the Rise of Ṭayyibī Ismailism, Oriens, Vol. 4, No. 2 (Dec. 31, 1951), pp. 193-255, BRILL

و پدرش وزیر فاطمیان بودند و نقش مهمی در خلافت مستعلی و الأمر داشتند، با همراهی سران لشکری، الحافظ را برکنار کرد؛ او بعد از برکناری الحافظ در سال ۵۲۴ ق ادعای مذهب امامیه (اثنا عشری) کرد و به نام «امام مهدی منتظر» سکه زد؛^۱ او هم چنین نام «اسماعیل بن جعفر بن محمد الصادق» را از منابر حذف کرد و خود با نام «امام قائم» خطبه خواند.^۲ سکه های «امام محمد ابوالقاسم المنتظر» که در قاهره و اسکندریه ضرب شده اند، در موزه بریتانیا و موزه هنر اسلامی قاهره موجود است.^۳ در روایات آمده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف هم کنیه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم است؛ از این رو در این سکه ها نیز «ابوالقاسم» آمده است؛ منتظر بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز در این سکه مشهود است.^۴

مرکز روی سکه: الامام محمد

حاشیه خارجی روی سکه: بسم الله الرحمن الرحيم ضرب هذا الدينار بالمعزية
القاهرة سنة خمس و عشرين و خمس مائة



حاشیه داخلی روی سکه: ابوالقاسم المنتظر لامر الله امير المؤمنين

مرکز پشت سکه: عال غاية

1. Stanley Lane Poole, The Name of the Twelfth Imam on the Coinage of Egypt, H. Sauvaire, 1874

۲. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، همان، ۱۰۲/۳.

۳. مایسه محمود، داود، المسكوكات الفاطمية بمجموعة متحف الفن الاسلامي بالقاهرة، ص ۹۳ - ۹۹ و ۱۹۱ و ۴۴۲.

۴. دسترسی به این سکه امکان پذیر نبود و گزارش این سکه از مقاله «استنلی پول» نقل شد.

حاشیه داخلی پشت سکه: لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله

حاشیه خارجی پشت سکه: لیظهر علی الدین کله و لو کره المشرکون

در مقاله «استنلی پول» طرح دیگری هم گزارش شده است که محل ضرب آن به جای قاهره، «مصر» نقر شده است. کلمه «لامرالله» نیز «بامرالله» است. به جای کلمه «عال غایه» نیز «الله الصمد» است. جنس سکه مذکور درهم است نه دینار؛ طرح این سکه به قرار ذیل می باشد:

مرکز روی سکه: الامام محمد

حاشیه داخلی روی سکه: ابوالقاسم المنتظر بامر الله امیرالمؤمنین

حاشیه خارجی روی سکه: بسم الله الرحمن الرحیم ضرب هذا الدرهم بالمصر سنة خمس و عشرين و خمس مائة

مرکز پشت سکه: الله الصمد

حاشیه داخلی و خارجی پشت سکه: مثل طرح قبل

ضرب سکه های امامیه در مرکز خلافت اسماعیلیان، معنی شگفت انگیزی دارد. ضرب این سکه ها و اعلام اعتقاد به دوازده امام توسط احمد بن الفضل، بدون وجود زمینه اجتماعی در بدنه جامعه و هم چنین تأیید گروه های نخبگان مرجع، امکان پذیر نیست. امامیه حق خلافت را از آن امام معصوم می دانند و در مدت دو ساله حاکمیت احمد بن الفضل، به جای اسم حاکم روی سکه های فاطمی، فقط نام «امام مهدی» عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَاءَهُ الْكَرِيمُ نقر شد.^۱ اعتقاد به غیبت و انتظار در میان شیعیان امامی چنان مستقر بوده که در نخستین حرکت سیاسی، نام امام دوازدهم به عنوان حاکم مشروع بر سکه ضرب می شود. این حرکت احمد بن الفضل، با هرانگیزه سیاسی ای هم که صورت گرفته باشد، یک آموزه امامیه را به وضوح برجسته می کند و آن این که، حاکم شیعی به نیابت از امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَاءَهُ الْكَرِيمُ اداره جامعه را بر عهده گرفته و حق حکومت با امام معصوم است. در نتیجه سکه به نام حضرت امام

۱. وردی، حمیدرضا، «سکه شناسی دوره فاطمیان»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۸.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف ضرب می شود و حکومت احمد بن الفضل بدین جهت مشروعیت کسب می کند. قضاوت در مورد ایمان قلبی احمد بن الفضل پرسش این مقاله نیست، اما پیامدهای اجتماعی رفتار وی و دلالت اجتماعی فرمان او بیانگر اعتقاد به مشروعیت حکومت به نیابت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است؛ چنان که این باور در دوره های بعدی حکومت شیعیان نیز پابرجا بود. شاردن در سفرنامه اش^۱ به مناسبت درگذشت شاه عباس دوم می نویسد:

... دو فرزند به جا مانده: یکی صفی میرزا که قریب بیست سال پیش به دنیا آمده و تحت مراقبت میرزا ناظر زندگی می کند، و دیگر حمزه میرزا که هفت سال بیشتر ندارد و اکنون همین جا زیر نظر آقا مبارک به سر می برد؛ باید یکی از این دو را به یاری و خواست خدا برگزینید تا با سمت قائم مقام امام منتظر بر ایران سلطنت کند....

از سوی دیگر، رفتار نمادین احمد بن الفضل که توأم با حذف نام خلفای فاطمی از منابر بود، جایگاه اجتماعی شیعیان اثناعشری را در مصر، بیش از آنچه در وهله اول به نظر می رسد، آشکار می کند. بعد از حمله صلاح الدین ایوبی و کشتار شیعیان و فاطمیان مصر، به نظر نمی رسد هیچ شیعه ای تمایل داشته باشد به مصر مهاجرت کند؛ بنابراین نویسندگان نامه هایی که چند دهه بعد، از مصر برای محقق حلی رحمته الله علیه ارسال می شود و محقق، پاسخ آنها را به تفصیل بیان می کند، بازماندگان شیعیان دوران فاطمی هستند. بی شک مصر بخش مهمی از پراکنش جغرافیایی شیعه، هم قبل و هم بعد از دوران فاطمی بوده است.

منتظران در ایران و ضرب سکه به نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

بعد از سقوط خلافت عباسی و قلاع اسماعیلیان در سال ۶۵۶ ق، فضای مذهبی ایران از زیر فشار قدرت های سیاسی خارج شد. آزادی مذهبی پیش آمده، موجب رشد سریع و البته مسالمت آمیز تشیع اثناعشری شد. شیعیان در سطح نخبگان درخشیدند و در عرصه فکری و اجتماعی، شاخص شدند. ابن بطوطه، جهانگردی

۱. شاردن، جان، سفرنامه شاردن، ص ۱۶۱۵.

مغربی است که از شمال آفریقا تا هند و چین سفر کرده است؛ او که به ایران نیز سفر کرده، مشاهدات زیادی از احوال اجتماعی ایرانیان نقل می‌کند؛ از جمله آنها، آیین انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در میان مردم حله است که چنین بیان می‌کند:

در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بردر آن، پرده حریری آویزان است و آن جا را مشهد صاحب الزمان می‌خوانند. از عادت آنها این است که صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته، پس از نماز عصر نزد امیر شهر می‌روند و از او اسب یا استری زین‌کرده می‌گیرند و به سوی مشهد صاحب الزمان روانه می‌شوند. پیشاپیش این چارپا، طببل و شیپور و بوق زده می‌شود و از آن صد تن، نیمی در جلو حیوان و نیمی دیگر در دنبال آن راه می‌افتند و سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می‌کنند و چون به مشهد صاحب الزمان می‌رسند، در برابر در ایستاده و آواز می‌دهند که: «بسم الله، ای صاحب الزمان بسم الله، بیرون آی که تباهی روی زمین را فرا گرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که بر آئی تا خدا به وسیله توحق را از باطل جدا گرداند» و به همین ترتیب به نواختن بوق و شیپور و طببل ادامه می‌دهند تا نماز مغرب فرارسد. مردم حله معتقدند که محمد، پسر امام حسن عسکری وارد این مسجد شده و در آن جا غیبت کرده و به زودی از همان جا ظهور خواهد کرد، و او را «امام منتظر» می‌نامند.^{۱-۲}

ظاهراً این آیین هم به لحاظ جغرافیایی گسترده بوده و هم مسبوق به سابقه. زکریا بن محمد قزوینی (متوفای ۶۸۲ ق) در آثار البلاد و اخبار العباد،^۳ ذیل شهر کاشان، از کتابی که احمد بن علی بن بابیه کاشانی (متوفای ۵۱۰ ق) در فرق شیعه نوشته، نقل می‌کند که:

عجب آن است که در ولایت کاشان، جمعی هستند از امامیه و من ایشان را دیده‌ام؛ در هر صبح انتظار ظهور امام خود را می‌کشند و یراق

1. Ibn Battāta, Voyages I. De l'Afrique du Nord à La Mecque, p.359

۲. ابن بطوطة، محمد بن عبدالله، الرحلة، ۵۶/۲.

۳. قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۴۳۲ (در ترجمه فارسی، ص ۵۰۳).

پوشیده، به اسب سوار شده، از شهر بیرون می‌روند به انتظار آن که صاحب و امام ایشان، ظاهر شود و چون آفتاب بلند می‌شود، باز به شهر، عودت می‌کنند و به یکدیگر می‌گویند که امروز هم نشد و همیشه در این انتظار می‌باشند.

در همین کتاب آثار البلاد و اخبار العباد، ذیل معرفی شهر سامرا^۱ نیز آمده است:

اهل مذهب شیعه، اسبی سمند با زین و یراق طلا، همیشه در سردابی که مهدی صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَام غایب شده نگه می‌داشته‌اند برای انتظار ظهور آن حضرت، و این سرداب در نزدیک مسجد جامع است. روزی، سلطان سنجر (متوفای ۵۵۲ ق) از مسجد بیرون آمده، نظرش بر این اسب افتاد، پرسید: این اسب را در آن جا چرا نگاه داشته‌اند؟ گفتند: برای آن که شیعه را اعتقاد آن است که مهدی موعود - که بهترین خلیق است - از این سرداب، ظاهر شود و بر این اسب، سوار گردد و عالم را مسخر نماید. سلطان سنجر گفته بود که بهتر از من، کسی از این جا بیرون نخواهد آمد، و بر آن اسب، سوار شد.

صاحب آثار البلاد نوشته است که: «این عمل به زعم شیعه، بر سلطان سنجر مبارک نیامد و به دست غزان، گرفتار گردیده، دولتش زایل شد.»

بر مبنای اعتقاد امامیه، ظهور حضرت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از مکه خواهد بود؛ اما انجام یک آیین، مسئله اقامه نمادین باور است. ابن تیمیه نیز مراسم سامرا را دیده است ولی با ظاهرنگری، فرق آیین و باور را تمیز نداده و آیین انتظار ظهور را با باور شیعه خلط کرده است. مطلع سعدین و مجمع بحرین کتابی، که حوادث بین سال‌های ۷۰۴ تا ۸۷۳ ق - مصادف با حکومت مغولان - را روایت می‌کند، در مورد «علی مؤید سربدار» و دوره سربداران و آیین انتظار سبزواری چنین می‌نویسد:^۲

... [آن چه] درباره سربداران گفتنی است، دل بستگی شدید آنان به

۱. همان، ص ۳۸۶ (در ترجمه فارسی، ص ۴۵۵).

۲. سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ۱/ ۹ و ۴۳۷؛ بطروشفسکی، ایلپاپاولویچ، نهضت سربداران خراسان، ص ۱۵.

تشیع است و درین راه چندان پیش رفته بودند که همان خواجه علی مؤید، اسبی به زین هر روز می کشید که ظهور حضرت امام محمد مهدی سلام الله علیه خواهد بود.

خواجه علی مؤید در آن وقت، چنان چه در قضیه سربداریه مذکور است، مملکت خراسان از بسطام تا فرهادجرد ضبط نمود، خطبه و سکه به نام خود کرد و دعوی محبت خانواده رسول کرده، در اظهار مذهب تشیع، غلوی عظیم داشت و اسبی به زین هر روز می کشید که ظهور حضرت امام محمد مهدی سلام الله علیه خواهد بود....

حکومت شیعی سادات مرعشی بین سال های ۷۵۰ ق تا ۷۸۴ ق در مازندران برپا بود. مرعشیان از خاندان های تأثیرگذار در مازندران بودند که از میانه قرن هشتم تا آخر قرن نهم در دولت صفویان، بر مازندران حکومت کردند. سید قوام الدین مرعشی، که نسب او به امام سجاد علیه السلام بازمی گردد، در ولایت آمل متولد شد و برای تحصیل به مشهد مقدس رفت. در آن زمان در خراسان شیوخ و دراویش، زمام جامعه را به دست داشتند. شیخ حسن جوری و درویش باباهلال - که جانشین شیخ خلیفه بودند - و سید عزالدین سوغندی (البته به واسطه شیخ حسن جوری) ارشادات شیخ خلیفه را ترویج می کردند.^۱ شیخ خلیفه از عرفای سلسله بایزید بسطامی است که سرسلسله خود را امام صادق علیه السلام می دانند.^۲ در نامه شیخ حسن جوری به یکی از امرای آن سرزمین، هدف ارشادات آنها مبارزه با ظلم و برقراری عدالت اجتماعی اعلام شده است.^۳ سید قوام الدین مرعشی از مریدان سید عزالدین سوغندی بود و از او اجازه داشت. سید قوام الدین بعد از مدتی برای ارشاد به مازندران بازگشت. در آن زمان کیا افراسیاب چلابی، ملک فخرالدوله حسن را کشت و حاکم آمل و بخشی از مازندران شد. کیا جلال متمیر نیز در فیروزکوه حکومت داشت و به دلیل خیانت کیا افراسیاب به ملک فخرالدوله، با وی معاندت داشت. رابطه کیا افراسیاب با

۱. مرعشی، ظهیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۲۳۷.

۲. همان، ص ۲۴۳.

۳. همان، ص ۲۴۰.

حاکمان سوادکوه و لارجان نیز به دلیل قتل فخرالدوله، خصمانه بود. تنگنایی که از این خصومت‌ها برای کیا افراسیاب پدید آمده بوده، مشروعیت او را نیز متزلزل کرده بود؛ بدین جهت وی راه توبه و انابه پیش گرفت و نزد سید قوام‌الدین مرعشی رفت و اظهار ندامت کرد؛ سید نیز به دست خود، سر او را به رسم مردم مازندران بتراشید و کلاه درویشان بر سر او گذاشت. این کار، ارادت مردم را به او زیاد کرد. تظاهر به درویشی و اظهار مریدی سید قوام‌الدین، به تدریج کار را بر کیا افراسیاب مشکل و سامان کار دولت را از دست او خارج کرد؛ لذا او تدبیری اندیشید تا سید را کنار بزند؛ او جلسه‌ی مناظره‌ای میان فقهای آمل و سید برگزار کرد و به دلیل بدعت بودن سلوک درویشی نزد فقها، سید را به زندان انداخت و خود نیز لباس درویشی کنار گذاشت؛ از قضا در همان شب، فرزند و ولیعهد او مُرد؛ مردم که این اتفاق را دلیلی بر کرامت سید می‌دانستند، علیه کیا افراسیاب قیام کرده و سید را آزاد کردند. بدین ترتیب حکومت کیا افراسیاب از سال ۷۵۰ ق تا ۷۶۰ ق ادامه داشت و پس از آن مرعشیان بر آمل و ساری مسلط شدند.^۱ مرعشیان در دوره‌ی همراهی با افراسیابیان و بعد از قیام، در آمل و ساری، سکه‌هایی با نقش صلوات بر دوازده امام در حاشیه، و نام امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ الْمُرْتَبِعَ با عنوان «السلطان محمد المهدی» در مرکز سکه ضرب کردند. ضرب سکه‌ای که منحصرأً به نام حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ الْمُرْتَبِعَ است، دلالت ویژه‌ای به باور شیعیان، مبنی بر حق انحصاری حاکمیت امام معصوم دارد و طبق همین باور است که حاکم شیعه، نقش خود را در نیابت امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ الْمُرْتَبِعَ تعریف می‌کند. این سکه، آشکارترین نماد اظهار جایگاه امام معصوم در عقیده‌ی سیاسی شیعیان است.

روی سکه: (السلطان) العالم محمد المهدی خلد الله ملكه

پشت سکه: لا اله الا الله محمد رسول الله

حاشیه پشت سکه: صلوات بر دوازده امام

۱. همان، ص ۲۴۶.

۲. همان، ص ۲۴۷-۲۵۲.



روی سکه: محمد المهدي صلى الله عليه

پشت سکه: لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله



روی سکه: السلطان محمد المهدي

حاشیه روی سکه: ضرب ساری سنة ۷۵۹ ق

پشت سکه: لا اله الا الله محمد رسول الله

حاشیه پشت سکه: صلوات بردوازده امام



جمع بندی

نقر نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم به همراه نام امامان علیهم السلام در سکه‌های اولجایتو، امیر استرآباد، سکه‌های سرداران، سکه‌ای از طغی تیمور و سکه‌ای از جلایریان دیده

می‌شود؛ لیکن سکه‌ای که به صورت منحصر، به نام حضرت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ضرب شده است، معنا و دلالتی دیگر دارد. حاکمان شیعه بر مبنای اصول تشیع، حق حاکمیت را از آن امام معصوم می‌دانند؛ بنابراین نقش خود را در نیابت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تعریف می‌کنند. این نگاه در مقاطعی بنا بر دلایل تاریخی، اجتماعی و حتی شخصیت فردی حاکم، به سمت ضرب سکه‌هایی به نام امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و بدون ذکر نام حاکم، متمایل شده است؛ این آشکارترین نماد اظهار جایگاه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در عقیده سیاسی شیعیان است. در این مقاله دو مقطع تاریخی پیش از دولت صفویه، که این نماد در آنها آشکار شده است، معرفی شد. پیامد این حرکت، رجوع امرای شیعه، مثل خواجه علی مؤید سربدار و یا شاهان صفوی، به فقهای شیعه برای حفظ مشروعیت حکومت است. نظام سیاسی شیعیان فرایندی تکاملی در طول تاریخ داشته است؛ این مقاله کوشید تا از طریق سکه‌ها، بخشی از این مسیر را نشان دهد.

کتابها

- ابن بطوطة، محمد بن عبدالله، الرحلة، تحقيق: عبدالهادى التازى، أكاديمية المملكة المغربية، رباط، ۱۹۹۷ م.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر: تاريخ ابن خلدون، تحقيق: عبدالمحمد آيتى، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- ابن زولاق، حسن بن ابراهيم، فضائل مصر و اخبارها و خواصها، تحقيق: على محمد عمر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۹۹ م.
- ابن عديم، عمر بن احمد، بغية الطلب في تاريخ حلب، تحقيق: سهيل الزكار، دار الفكر، بيروت.
- ابن قولويه، ابوالقاسم جعفر بن محمد، كامل الزيارات، مرتضويه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- بطروشفسكى، ايلياپاولويچ، نهضت سريلداران خراسان، ترجمه كريم كشاورز، پيام، تهران، ۱۳۵۱ ش.
- رضائى باغ بيدي، حسن، سكه هاى ايران در دوره اسلامى از آغاز تا برآمدن سلجوقيان، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۴ ش.
- سمرقندى، عبدالرزاق بن اسحاق، مطلع سعدين و مجمع بحرين، گردآورى عبدالحسين نوايى، مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگى، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- شاردن، جان، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال يغمايى، چاپ توس، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- شيخ طوسى، محمد بن الحسن، الفهرست، تحقيق: سيد عبدالعزیز طباطبائى، مكتبة المحقق الطباطبائى، قم، ۱۴۲۰ ق.
- رجال، تحقيق: جواد القيومي الاصفهاني، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۳۰ ق.
- شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، المسائل السروية، تصحيح صائب عبدالحميد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- قزوینی، زكريا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه ميرزا جهانگیر قاجار، اميركبير، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- آثار البلاد و اخبار العباد، دار صادر، بيروت، ۱۹۹۸ م.
- مايسه محمود، داود، المسكوكات الفاطمية بمجموعة متحف الفن الاسلامي بالقاهرة دراسة اثرية و فنية، دارالفكر العربي، قاهره، ۱۹۹۱ م.
- محقق حلى، جعفر بن الحسن، المسائل المصرية و هي تشتمل على خمس مسائل، در كتاب «رسائل المحقق الحلي»، تحقيق: رضا استادى، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، قم، ۱۴۱۳ ق.

مرعشی، سید ظهیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمدحسین تسبیحی، مؤسسه مطبوعاتی شرق، تهران، ۱۳۴۵ ش.

نجاشی، احمد بن علی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، تصحيح آيت الله سيد موسى شبيري زنجاني، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية قم، مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ۱۴۱۸ ق.

مقالات

عليزاده، مه بانو، «گذری برسير تحول سکه در سده نخست دوره اسلامی»، مجله گزارش ميراث، شماره ۴۰، ۱۳۸۹ ش.

وثيق، منصوره، «تشيع در ايران به روايت سکه های تاريخی»، مجله کتاب ماه تاريخ و جغرافيا، شماره ۱۱۴ و ۱۱۵، ۱۳۸۶ ش.

وردی، حمیدرضا، «سکه شناسی دوره فاطمیان»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهيد بهشتی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲ ش.

منابع انگلیسی

- Bacharach, Jere, Islamic History through Coins: An Analysis and Catalogue of Tenth-Century Ikhshidid Coinage, The American University in Cairo Press, 2006
- Blair, Sheila, The Coins of the Later Ilkhanids: A Typological Analysis, Journal of the Economic and Social History of the Orient, Vol. 26, No. 3, pp. 295-317, 1983
- Daftary, Farhad, The Ismā'īlīs: Their history and doctrines. Cambridge, England: Cambridge University Press, 1990
- Heidemann, Stefan, "Numismatics": The New Cambridge History Of Islam, Vol.1, pp. 648-663, Edited by Chase F. Robinson, Cambridge: Cambridge University Press, 2010
- Ibn Battūta,, Voyages I. De l'Afrique du Nord à La Mecque, Traduction: Stéphane Yerasimos, C. Defremery, B. R. Sanguinetti, Paris: La Découverte/Poche, 1997
- Medd, Charles S., Value of numismatics in the study of ancient history, Cambridge: MACMILLAN, 1865
- Stanley Lane Poole, H. Sauvare, The Name of the Twelfth Imām on the Coinage of Egypt, Journal of the Royal Asiatic Society, Volume 7 Issue 1, pp. 140-151, 1874
- Stern, S. M., "The Succession to the Fatimid Imam al-Āmir, the Claims of the Later Fatimids to the Imamate, and the Rise of Tayyibī Ismailism", Oriens, Vol. 4, No. 2 pp. 193-255, BRILL, 1951
- Vincenza Grassi, "Notes on Ideology and Religious Beliefs in the Islamic and Norman Coinages Circulating in Sicily", in Bruno Callegher e Arianna D'Ottone (a cura di): "The 2nd Simone Assemani symposium on islamic coins", Trieste, EUT Edizioni Università di Trieste, pp. 111-126, 2010

عُملَةُ الإمام المهدي المعدنية في فترة ما قبل الصفويين و تبلور فكرة «الحاكم الشيعي»

حميدرضا آذري نيا^١ / محمد حسين افراخته^٢

الخلاصة:

الشيعة الإمامية من المنظار الحقوقي ترى أن الحاكمية السياسية تختص بالنبي (صلى الله عليه وآله وسلم) وأهل بيته عليهم السلام. فهم يرون أن الإمام المهدي الذي وُلد في طليعة القرن الرابع و هو حي حتى يومنا هذا، سيظهر يوماً فيصنع عالماً إلهياً. الشيعة الإمامية التي يُدعون بالإثني عشرية لأجل إتباعهم إثني عشر إماماً من سلالة النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) ترى أن حق الحكومة الإلهي و المشروع مختص بالإمام الثاني عشر.

كانت الشيعة قبل أن تتبدل الى مجتمع، تقطن بين أظهر المجتمع السني كأقلية. بعد هجوم المغول و إنهيار الخلافة العباسية سنحت فرصة للشيعة لإنشاء حكومات ذات إتجاهات شيعية.

تسعى هذه المخطوطة لكي تبين أنه آنذاك حَكَمَ أشخاص باسم وكلاء الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف). المؤشرات المستفادة في هذا التحقيق مبتنية على تحليل العُملات المعدنية المصنوعة على يد الحُكام الشيعية في طليعة الفترة الزمنية ما بعد المغول التي تُعد فترة تبلور مفهوم «الحاكم الشيعي» في المجتمع الشيعي.

كان السلاطين و الأمراء آنذاك لا يرون لأنفسهم مكانة إلهية مستقلة بل كانوا يرون أنفسهم حكاماً إستلموا القدرة للإضطرار و من دون حيلة و بعد ظهور إمام الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) عليهم تسليم مكانتهم الحكومية إليه.

الكلمات المفتاحية: الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، الحاكم الشيعي، التعرف على العُملات المعدنية، الفترة الزمنية ما قبل الصفويين.

١. طالب مرحلة الدكتوراه في علم الإنسان (الأنثروبولوجيا) في جامعة طهران. zarinia@yahoo.com

٢. ماجستير تاريخ الإسلام من جامعة طهران، باحث في مؤسسة مطالعات الامامية @yahooh84@yahooh84

The Coins In the Name of Imam Mahdi in Pre-Safavid Era and Formation of the Concept of Shiite Ruler

Hamidreza Azarinia¹

Mohammad Hossein Afrakhteh²

Abstract

Imamite Muslims, who follow twelve Imams from decent of the prophet, believe that the political ruling is de jure dedicated to the prophet and the twelve Imams. They believe that Imam Muhammad Al-Mahdi, the twelfth Imam who was born in 9th century AD is still alive and will come back in the promised day for constructing a heavenly world. For Imamite Muslims, who are also known as Twelver Shia, the legitimate government and the right of ruling is dedicated to Imam Mahdi. While Shiite community did not developed as a society, they participated in Sunni social institutions as a minority. Afterward in medieval period, when Sunni caliphate collapsed in Baghdad by Mongol invasion, maintaining the social order obliged the Shia to establish government on their own. In this article, we will explore the formation of a new role for Shia rulers as the representative of Imam Mahdi. Our investigation is based on the coins of Shiite rulers in the formative period of Shiite government concept. We find out the Shiite Sultan and Amir suppose himself a ruler in force majeure circumstances, who shall give up his position to Imam Mahdi in his reappearance.

Key words: Imam Mahdi, Shiite ruler, Numismatics, Pre-Safavid.

1. PHD Candidate in Anthropology at Tehran Univercity. azarinia@yahoo.com

2.M.A. in the history of Islam from Tehran Univercity, Researcher at Institute of Imamite Studies. mhafrakhteh84@yahoo.com